خبرها

لیست جامعه روحانیت آماده شد

ایلنا: غلامرضا مصباحی‌مقدم سخنگوی جامعه روحانیت مبارز گفت: کمیته مشترک جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم لیستی از کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری را تهیه کرده‌اند که شورای مرکزی هر دو جامعه در حال بررسی این لیست هستند. وی همچنین گفت: ما در حال بحث و بررسی پیشنهادات مربوط به کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری در استان‌ها هستیم و لیستی را که کمیته مشترک ما با جامعه مدرسین حوزه علمیه تهیه کرده است، ارزیابی می‌کنیم تا در نهایت به لیست واحدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری دست یابیم. انتخابات مجلس خبرگان رهبری اولویت اول ماست و ما هنوز راجع به انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا تصمیمی نگرفته‌ایم و ممکن است وارد این انتخابات برای ارائه لیست نشویم.

دیدار دانشجویان با مراجع تقلید

ایسنا: تعدادی از اعضای شورای مرکزی و شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی و دانشکده های این دانشگاه به مناسبت میلاد پیامبر اکرم(ص) ضمن حضور در شهر قم، با برخی از علما و مراجع تقلید از جمله صانعی، بیات زنجانی و منتظری دیدار کردند. در این دیدار آیت‌الله العظمی یوسف صانعی با تاکید بر لزوم کسب علم و دانش‌اندوزی دانشجویان گفت: «در شرایط کنونی، انجمن اسلامی تنها تشکلی است که می‌تواند در دانشگاه اسلام روشنفکرانه را تبلیغ کند. انجمن اسلامی باید در مقابل جریان‌های غیراسلامی بایستد و دین رحمانی را تبلیغ کند.» وی با اشاره به موسسین انجمن اسلامی دانشجویان و پیشینه فکری انجمن‌های اسلامی خاطرنشان کرد: «بزرگوارانی همچون آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، شهید بهشتی، مرحوم شریعتی و امام خمینی(ره) از الگوهای فعالان انجمن اسلامی بودند و امروز هم باید مدنظر دانشجویان باشند.» صانعی با تاکید بر لزوم شناخت شهید مطهری ادامه داد: «مسئولان تنها در ایام خاصی از شهید مطهری و شهید بهشتی یاد و از آنها استفاده می‌کنند. سیره و تفکر این دو شهید از میان رفته است.» وی با اشاره به برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری تاکید کرد: «انتخابات خبرگان باید بر طبق قانون اساسی و اسلام برگزار شود.» آیت‌الله منتظری نیز در این دیدار به نقش خطیر دانشجویان مسلمان در دانشگاه اشاره کرد و گفت: «دنیا و آخرت وابسته به علم و دانش است، به خصوص اینکه دنیای امروزی بدون علم و دانش اداره نمی‌شود. اگر شما که به موازین اسلام متعهد هستید تحصیل علم نکنید، آینده کشور دست افراد بی‌تعهد و بی‌تفاوت می‌افتد.» آیت‌الله بیات زنجانی نیز در دیدار با این دانشجویان گفت: «فلسفه وجودی انجمن اسلامی این بود که با زبان علمی از دین دفاع کند، چون سایر گروه‌ها این توان را نداشتند و از ابزار علمی بی‌بهره بودند. اگر از اسلام متناسب با زمان و متناسب با عقل و خرد و مبادی علمی و برهانی دفاع نشود، خود دفاع از اسلام به دفاع از غیراسلام تبدیل می‌شود.»

موتلفه: رئیس جمهور با مشورت علما تصمیم بگیرد

شرق: حزب موتلفه اسلامی درباره حضور بانوان در مسابقات ورزشی بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «با توجه به تذکراتی که در روزهای اخیر توسط مراجع عظام و علمای اعلام راجع به حضور بانوان در مسابقات ورزشی داده شده است، حزب موتلفه اسلامی با تشکر و امتنان از همه علمای بزرگوار اطمینان دارد که شخص جناب آقای رئیس جمهور محترم نیز از تایید هر اقدامی که با شرع مطهر اسلام مغایرت داشته باشد خودداری خواهند نمود و مانند هر مسلمان دیگر برای نظر و تذکر مراجع تقلید احترام کامل داشته و خواهند داشت.» در ادامه این بیانیه آمده است: «بدون شک حفظ حرمت کامل بانوان در هر شرایطی از بدیهیات تفکر دینی است و حفظ این حرمت در تجمعی که احساسات تماشاگران در بردیا باخت یک تیم ورزشی به اوج می‌رسد کاری غیرممکن است و تقاضای ما از رئیس محترم جمهور این است که در ساماندهی اینگونه تجمع‌ها با مشورت کامل صاحب‌نظران دینی و ورزشی اتخاذ تصمیم نمایند.»

تحلیلی به مناسبت روز جهانی کارگر

ضرورتی به نام سندیکا

گروه سیاسی: جنبش مسلمانان مبارز به مناسبت اول ماه مه (روز جهانی کارگر) بیانیه‌ای تحلیلی صادر کرد که متن آن بدین شرح است: در سال‌های اخیر معضلات و مشکلات بسیاری دامنگیر جامعه پرتلاش کارگری ایران شده و روند روبه‌رشد بیکاری، امنیت شغلی خانواده‌های این قشر را در معرض آسیب‌های جدی قرار داده است. در اثر اعمال سیاست‌های ناصحیح، فضای کار و تلاش سازنده و ثمربخش برای کارگران ایران روزبه‌روز تنگ‌تر می‌شود و به جای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، فرصت‌های شغلی موجود نیز محدودتر می‌شود. آفت‌های فقر و بیکاری و فساد بیشتر مردم جامعه، به خصوص اقشار زحمتکش و حقوق‌بگیر کارگران و کارمندان و صنعتگران جزء را در معرض تهدید جدی قرار داده است و این در حالی است که تاراج ثروت‌های ملی از طریق نظام رانت‌خواری فرصت‌های کار و فعالیت سالم و آبرومند و خلاق را از دسترس مردم زحمتکش دور می‌سازد. روز جهانی کارگر فرصتی است برای همه نیروهای زحمتکش و رنج‌دیده تا با تفکر و بررسی هر چه دقیق‌تر علل و موجبات بروز معضلات فوق، به یافتن راه‌حل مشکلات و بهبود بخشیدن به شرایط زیست خود و دیگر هموطنان بپردازند. در این مجال برخی از مهمترین مشکلات و معضلات جامعه کارگری ایران را یادآور می‌شویم.

۱- سندیکاها یا اتحادیه‌های کارگری یکی از ارکان جامعه مدنی و ابزاری مهم در دست طبقه کارگر برای حفظ منافع جمعی و حقوق قانونی و انسانی آنها است. امروزه در بسیاری از نقاط جهان اتحادیه‌های کارگری جایگاه ویژه قانونی یافته و نقش و اهمیت خود را در جهت حفظ و حمایت از حقوق حقه کارگران ثابت کرده‌اند. یکی از معضلات مهم و اساسی جامعه کارگری ایران، فقدان تشکل‌های صنفی کارگری یا سندیکاها است که بتوانند به‌عنوان نماینده کارگران مطالبات جمعی آنها را پیگیری و از حقوق پایمال شده آنها در مجامع قانونی دفاع کنند. با وجود آنکه جایگاه سندیکاها در قانون اساسی صراحتاً پیش‌بینی شده است ولی متاسفانه مقامات مسئول از اجرای پروتکل مربوط به، به رسمیت شناختن سندیکاها در کنوانسیون بین‌المللی کار خودداری کرده به طوری که در چند سال اخیر نه فقط از سوی وزارت کار به‌عنوان متولی امور کارگری در ایران اقدامی در جهت کمک به تشکیل سندیکاها صورت نپذیرفته بلکه درخواست ثبت تشکل‌های مستقل کارگری از سوی کارگران بدون پاسخ مانده و بعضاً مورد مخالفت قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به بی‌توجهی به درخواست کارگران زحمتکش شرکت واحد برای به رسمیت شناختن تشکل خودجوش آنها به‌عنوان سندیکا اشاره کرد.

۲- یکی دیگر از معضلاتی که در سالیان اخیر دامنگیر جامعه کارگری ایران شده و تبعات ناخوشایندی را برای جمع وسیعی از کارگران به دنبال داشته است، روش‌های نادرستی است که در جهت اعمال سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت و کوچک کردن ساختار دولت به اجرا گذارده شده است که بعضاً به بیکاری بخش وسیعی از کارگران شاغل در دستگاه‌های دولتی منجر شده و بی‌ثباتی و ناامنی شغلی را به ویژه برای کارکنان بخش عمومی به دنبال داشته است. یکی از سیاست‌های نادرست در این راستا تامین نیروی کار مورد نیاز دستگاه‌های دولتی از طریق شرکت‌های خدماتی و پشتیبانی است که معمولاً بدون داشتن پشتوانه و توان مالی و تجربه کافی و از طریق دخالت مستقیم مدیران دولتی یا وابستگان آنها تاسیس و به عقد قرارداد با ادارات دولتی اقدام کرده و نیروی کار مورد نیاز در بخش‌های خدماتی، پشتیبانی و بعضاً فنی را از طریق عقد قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت با پرسنل بازخرید شده همان ادارات تامین می‌کنند. بررسی بر روی بسیاری از این نوع موارد نشان می‌دهد که اخراج نیروی انسانی هزینه‌های مضاعفی بابت هزینه‌های بالاسری پرداخت شده به شرکت‌های واسطه برای دولت در پی داشته است. آنچه در این میان نصیب کارگران بازخرید شده دستگاه‌های دولتی شده، ناامنی شغلی ناشی از قراردادهای موقت کار و انجام زحمت و کار بیشتر با دستمزد نازل‌تر و مزایای کمتر بوده است.

۳- خصوصی‌سازی به شیوه غلط و تبعات منفی حاصل از آن را می‌توان به‌عنوان یکی از مهمترین علل صدمات وارده به جامعه کارگری ایران در سال‌های اخیر برشمرد. اعمال سیاست‌های غلط و بعضاً تبعیض‌های ناروا در واگذاری صنایع و کارخانجات دولتی به بهای ناچیز به بخش خصوصی (و در حقیقت به خواص) بدون اخذ تضمین‌های مناسب و بدون اعمال نظارت‌های مستمر و صحیح در دوره پس از واگذاری، در سال‌های اخیر منجر به تعطیلی بسیاری از کارخانجات و شرکت‌های واگذار شده، گردیده و در بسیاری از موارد باعث ورشکستگی و یا از هم‌پاشیدگی ساختار مدیریتی آنها شده و در بیشتر موارد سهواً یا تعمداً تعطیلی این واحدهای تولیدی، اخراج کارگران و عدم پرداخت حقوق قانونی آنها، فروش دستگاه‌ها و ماشین‌آلات و نهایتاً زمین و محل این صنایع را به دنبال داشته است. بلاتکلیفی و سرگردانی نیروی کار در این صنایع بعد از واگذاری به بخش خصوصی و عدم پرداخت حقوق معوقه قبلی و تاخیرهای طولانی در پرداخت حقوق کارگران توسط مدیریت بخش خصوصی، بازخرید اجباری همراه با عدم پرداخت حقوق قانونی و پایین آمدن سطح دستمزد و مزایای نیروی کار را می‌توان از دیگر معضلات این گونه صنایع نام برد.

خلاصه بیانیه

۱- با وجود آنکه جایگاه سندیکاها در قانون اساسی صراحتاً پیش‌بینی شده است ولی متاسفانه مقامات مسئول از اجرای پروتکل مربوط به، به رسمیت شناختن سندیکاها در کنوانسیون بین‌المللی کار خودداری کرده.

۲- کوچک شدن ساختار دولت و مشارکت هر چه بیشتر مردم در اداره امور کشور و واگذاری منابع تحت کنترل دولت به مردم از مبانی سوسیال‌دموکراسی و حرکت به سمت توسعه پایدار است.

۴- واردات اجناس خارجی ارزان و با کیفیت پایین به بازار داخلی به وسیله باندهای بزرگ قاچاق کالا و یا در چارچوب قراردادهای تجارت خارجی، موجودیت بسیاری از صنایع داخلی به خصوص صنایع کوچک را که از توان و بنیه مالی و کیفیت و تکنولوژی مناسب برای رقابت برخوردار نیستند، به شدت در معرض خطر قرار داده و بسیاری از آنها را به ورشکستگی و تعطیلی کشانده و نیروی کار شاغل در آنها را که اغلب صنعتگران جزء و کارگران ماهر و متخصص‌اند، با معضل بیکاری روبه‌رو ساخته است. به طور نمونه می‌توان از بحران دامنگیر صنعت کفش و نساجی داخلی نام برد، که اثرات آن بخش وسیعی از نیروی کار کشور را در معرض آسیب‌های جدی قرار داده است. از مشکلات دیگر کارگران می‌توان از عدم اجرای صحیح و کامل کلیه مفاد قانون کار و معافیت کارگاه‌های زیر ۵ نفر از این قانون نام برد و مشکلات بسیار دیگری که در این مختصر مجال پرداختن به آنها نیست.

■ **پیشنهادها**

با اتکا به مبانی فکری و عقیدتی خود با اعتقاد به سوسیالیسم و اقتصاد مشارکتی و با اتکا به تجربیات کسب شده طی پنجاه سال مبارزه نیروهای چپ مستقل توحیدی در عرصه‌های مبارزات سیاسی ایران برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی و تامین حقوق کارگران در کشور پیشنهادات زیر را ارائه می‌کند.

۱- از آنجا که مهمترین نیاز جامعه کارگری ایران تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی مستقل است، لازم است موانع این کار از سر راه کارگران برداشته شود. برای این منظور بهترین و مطمئن‌ترین راه تقویت همبستگی کارگران و همیاری آنان جهت اقدام برای ایجاد تشکل‌های مذکور و استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی است که حق داشتن تشکل‌های صنفی مستقل را برای آنان به رسمیت شناخته است. در این میان نباید نقش و اهمیت دولت در جهت کمک به برطرف ساختن موانع موجود و پذیرش رسمی این اتحادیه‌ها را به‌عنوان رکن اساسی حمایت از حقوق کارگران از نظر دور داشت؛ وظیفه‌ای که همواره از سوی سیاستمداران مورد بی‌توجهی سهوی یا عمدی قرار گرفته است.

۲- کوچک شدن ساختار دولت و مشارکت هر چه بیشتر مردم در اداره امور کشور و واگذاری منابع تحت کنترل دولت به مردم از مبانی سوسیال‌دموکراسی و حرکت به سمت توسعه پایدار است. برای کاهش تبعات منفی ناشی از اعمال سیاست‌های نادرست جهت کوچک کردن ساختار دولت که به بیکاری و یا استثمار بسیاری از کارگران شاغل در دستگاه‌های دولتی توسط شرکت‌های دلال نیروی کار تحت عنوان شرکت‌های خدماتی انجامیده، بهترین راه ایجاد تعاونی‌های کارگری با عضویت آن دسته از کارگران دستگاه‌های دولتی است که در برنامه بازخرید شدن قرار گرفته‌اند. دولت باید کارگران را به ایجاد تعاونی‌های کار تشویق کرده و تسهیلات لازم برای ایجاد و سازماندهی این تعاونی‌ها و واگذاری سهام آنها به نیروی کار شاغل در آنها را فراهم آورده و برای واگذاری فعالیت‌های خدماتی و پشتیبانی مورد نیاز خود به بخش خصوصی، این گونه تعاونی‌ها را در اولویت قرار دهد تا امکان جبران کاهش دستمزدهای نیروی کار از طریق تقسیم سود سهام حاصل از هزینه بالاسری این شرکت‌ها به نیروی کار شاغل در آنها فراهم آید. در این میان تلاش و همت کارگران بازخرید شده شاغل در این دستگاه‌ها در تشکیل و ثبت تعاونی‌های کارگری و تلاش برای واگذاری خدمات مورد نیاز ادارات تابعه به این تعاونی‌ها می‌تواند نقش موثری در کوتاه کردن دست واسطه‌ها که تحت عنوان شرکت‌های خدماتی با عقد قراردادهای موقت کوتاه‌مدت عملاً به استثمار نیروی کار می‌پردازند ایفا کند.

۳- در مورد واگذاری صنایع ملی و دولتی به بخش خصوصی اشکالات عمده‌ای بر روش کار وارد است که باید در جهت اصلاح آنها اقدام شود. از جمله مهمترین این اشکالات که مسائل بسیاری را به دنبال آورده، واگذاری مالکیت صنایع شامل اموال منقول و غیرمنقول به طیف خاصی از مدیران تحت عنوان بخش خصوصی است و این در حالی است که واگذاری کامل مالکیت به این شیوه، خواه‌ناخواه این امکان را برای خریداران فراهم می‌آورد که با سوءاستفاده از حق مالکیت در قوانین ایران، به جای فعال‌سازی و افزایش بهره‌وری این صنایع، از طریق فروش ماشین‌آلات و زمین این کارخانجات، سرمایه هنگفتی را از بخش صنعت و چرخه تولید به بخش‌های دیگر نظیر دلالی و زمین‌خواری و بعضاً به خارج از کشور منتقل کنند. دولت باید مکانیسمی را برای خصوصی‌سازی پیش‌بینی کند که به جای واگذاری مالکیت ماشین‌آلات و ابزار تولید به بخش خصوصی، مالکیت آنها را به تعاونی‌های کارگری متشکل از نیروی کار شاغل در این صنایع واگذار کرده و ضمن ارائه تسهیلات و آموزش‌های لازم و انتقال تجربیات، امکان افزایش بهره‌وری را برای مدیریت این صنایع در قالب تعاونی‌ها فراهم سازد. برای این منظور باید شرکت‌های تعاونی از نیروی کار شاغل در هر یک از این صنایع تشکیل شود و با در نظر گرفتن شرایط، مدیریت این صنایع در قالب این شرکت‌های تعاونی به کارکنان آنها واگذار گردد و تضمین‌های لازم جهت عدم امکان سوءاستفاده و فروش تجهیزات این صنایع (مگر در شرایط جایگزینی) گرفته شود. بدیهی است مشارکت کارکنان در سود حاصل از سهام این تعاونی‌ها، شوق و انگیزه نیروی کار را برای افزایش بهره‌وری بیشتر کرده و از سویی از تبدیل روند خصوصی‌سازی به اختصاصی‌سازی و به تاراج رفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری نموده و برای نیروی کار شاغل در این صنایع امنیت شغلی مستمر و انگیزه برای بهره‌وری بیشتر را فراهم خواهد آورد.

۴- حمایت از صنایع داخلی در برابر صنایع مشابه مهاجم خارجی باید در دستور کار وزارتخانه‌های ذیربط قرار گیرد. جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق به کشور و اعمال دقت بیشتر در عقد قراردادهای خارجی به گونه‌ای که حتی‌المقدور از ورود کالاهای مصرفی با مشابه داخلی امتناع شود و کوتاه کردن دست افراد سودجو در عرصه تجارت خارجی و صادرات و واردات، نقش موثری در تقویت صنایع داخلی ایفا خواهد کرد. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد مهمترین وظیفه کارگران و صاحبان این گونه صنایع تلاش در راه ارائه محصول باکیفیت و افزایش راندمان کاری و کاهش هزینه‌های جانبی و افزایش بهره‌وری است که به تدریج زمینه را برای رقابت کالاهای آنها با کالاهای خارجی از طریق جلب اعتماد مصرف‌کننده داخلی فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر وظیفه ملی و اخلاقی همه مردم ایران است که تا حد امکان با ترجیح خرید کالاهای داخلی بر کالاهای مشابه خارجی امکان و فرصت شغلی را برای فرزندان این مرز و بوم فراهم ساخته و در حد توان خود در جهت استقلال و شکوفایی صنایع ملی گام بردارند. امید است کارگران این سرزمین در سایه وحدت و تلاش و همدلی و همبستگی و با اتکا و امید به خداوند با حرکت به سمت ایجاد تشکل‌های صنفی و سندیکاها و تلاش هر چه بیشتر برای چرخاندن چرخ‌های صنعت ملی و ارتقای کیفیت محصولات ایرانی زمینه را برای بهبود شرایط عظیم‌ترین نیروی کار جامعه ایران فراهم سازند.

دو انتخابات در سال ۸۵؛ اصلاح‌طلبان و اصولگرایان چه می‌کنند؟

فاطمه صابری: امسال دو انتخابات دیگر در ایران برگزار می‌شود تا قبل از پایان سال شمار انتخابات برگزار شده در کشور از سالیان عمر جمهوری اسلامی ایران پیشی بگیرد. بسان گذشته انتظار می‌رود در انتخابات شهر و روستا و خبرگان رهبری دو جناح راست و چپ رو در روی هم قرار گیرند. اما یقیناً افکار عمومی خود فراموش نمی‌کند که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در دل خود چندین گروه و تفکر مختلف را جای داده‌اند که گاه آنقدر روش‌هایشان در رسیدن به اهدافشان متفاوت می‌نماید که باعث تعجب مخاطب می‌شود که چگونه ممکن است این همه تفاوت در یک گروه برای رسیدن به یک هدف واحد وجود داشته باشد. البته اصولگرایان که اکنون در مسند قدرت حضور دارند خود را به گونه‌ای دیگر نموده‌اند به گونه‌ای که رفتارشان حتی تعجب خویشاوندان فکری‌شان را نیز برانگیخته است و هرازگاهی نیز صدای اختلافات درون گروهی آنان در بیرون هم شنیده می‌شود. دو انتخابات پیش رو یعنی خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا که اولی چهارمین دوره‌اش و دومی سومین دوره برگزاری خود را پیش‌رو می‌بینند هم برای اصلاح‌طلبان و هم برای اصولگرایان مهم جلوه می‌کند. اهمیت این دو انتخابات که شاید در یک روز برگزار شود تا در هزینه هر انتخابات که میلیون‌ها تومان است صرفه‌جویی شود به واسطه وجود یک گروه پیروز و یک گروه شکست خورده در دو طرف است. اصلاح‌طلبان اکنون هیچ جایی در حکومت ندارند: آنان حدود ۱۰ ماه است که قوه مجریه را از دست داده‌اند. سال ۸۱ از پارلمان‌های شهر و روستا خارج شده‌اند شکست بعدی آنان نیز همراه با تشکیل مجلس هفتم و تنها یک سال بعد از برگزاری انتخابات شهر و روستا بود تا اصلاح‌طلبان عملاً تمام مناصبی که از سال ۷۶ به دست آورده بودند را از کف رفته ببینند. اصلاح‌طلبان اکنون تمام تلاش خود را معطوف به آن کرده‌اند که ایام هجرشان از قدرت بلند نشود و بازگشت خود به قدرت را با پیروزی در انتخابات شهر و روستا آغاز کنند. اصلاح‌طلبان اما نیک می‌دانند چندان نمی‌توانند بر روی انتخابات خبرگان حسابی جداگانه باز کنند. به دلیل گزینش سخت نامزدها در این انتخابات امکان راهیابی نامزدهای اصلاح‌طلب اندک و حتی با شرایط کنونی غیرممکن می‌نماید. اصلاح‌طلبان البته چند هفته آخر سال گذشته را بیکار ننشستند و بارها تلاش کردند تا توجه مجلس خبرگان رهبری را معطوف به ورود افراد غیرفقیه اما متخصص در امور مختلفی در حیطه اختیارات رهبری کنند که این تلاش‌شان با قرار نگرفتن این طرح در دستور کار پانزدهمین اجلاس خبرگان در سال ۸۴ عملاً منتفی شد تا موضوعی که به‌زعم عده‌ای در قانون اساسی منعی در موردش وجود ندارد اجرایی نشود. منتقدان می‌گویند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ماده‌ای دال بر شرط اجتهاد خبرگان و مرجعیت برای نمایندگان این مجلس وجود ندارد و آنچه که طی سالیان گذشته اجرایی شده براساس آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان است که همین مجلس می‌تواند آن را تغییر دهد. اصلاح‌طلبان که متهمند طی سال‌های گذشته در مواقع حساس در مماشات با محافظه‌کاران را باز کرده بودند اکنون در کمال ناامیدی می‌خواهند تمام راه‌های ممکن را بپیمایند. محسن کدیور استاد دانشگاه تربیت مدرس و از روحانیون اصلاح‌طلب اما در این خصوص معتقد است: هیچ منع قانونی برای ورود خبرگان غیرفقیه به مجلس خبرگان رهبری وجود ندارد و روح قانون اساسی موید این است که خبرگان باید متناسب جامعه انتخاب شوند. چون خبرگان یعنی متخصصانی که در اداره جامعه تخصص‌شان دخالت دارد و اگر رهبر در همه مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حق سیاستگزاری دارد خبرگان رهبری نیز باید از تخصص‌های مرتبط با رهبری انتخاب شوند. زیرا قرار نیست مدیریت حوزه علمیه باشد بلکه قرار است رهبر کشور ایران باشد و اینکه گفته می‌شود فقهای مجلس خبرگان با متخصصین غیرمجتهد مشورت می‌کنند ما می‌پرسیم چه اشکالی دارد این مجلس از تخصص‌های موجود در جامعه تشکیل شود، چون مسئله اصلی مشارکت متخصصین است و نه مشورت با متخصصین و این مغلطه‌هایی است که دارد اتفاق می‌افتد. کدیور سه انتقاد وارده به این مجلس را منحصر شدن مجلس خبرگان به روحانیون، مردان و شیعیان می‌داند. با وجود تمام این تفاسیر انتخابات مجلس خبرگان امسال بدون تغییر در قوانین آن برگزار خواهد شد و این می‌تواند پیام‌آور شادی در اردوگاه اصولگرایان شود البته این خوشحالی هر چند به نام اصولگرایان است اما نه تمام آنها؛ اکثریت مجلس هفتم و دولت اصولگرا از عدم تغییر خاص در برگزاری این انتخابات خشنود خواهند شد چون امکان ورود روحانیونی در این میان فراهم می‌شود که مصداق تعریف‌شان از اصولگرایی سیاست‌های مدنظر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران طی حدود ده ماه گذشته بوده است. سیاست‌هایی که عموماً با انتقاد اصلاح‌طلبان همراه بوده است: حوزه سیاست خارجی و عرصه داخلی مخصوصاً تصمیمات اقتصادی دولت احمدی‌نژاد از آن جمله است. اما با وجود آنکه حدود ۱۰ ماه از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به سمت ریاست قوه مجریه ایران می‌گذرد اما هنوز سران اصلاحات این جمله را ترجیع‌بند حرف‌های خود قرار داده‌اند که باید به دولت جدید فرصت داد تا سیاست‌های وعده داده شده خود را عملی سازد و اصلاً حق هر دولت منتخب ملت است که تمام تلاش خود را در راه تحقق اهداف از پیش وعده داده شده انجام دهد. شاید زمان برشمرده برای اصلاح ساختار تشکیلاتی و تدوین برنامه حکومت‌داری و تربیت نیروی انسانی حزبی که از عوامل ناکامی اصلاح‌طلبان در چند انتخابات گذشته معرفی می‌شد هنوز برای حصول نتیجه لازم ناکافی باشد یقیناً سران اصلاح‌طلب می‌دانند که عدم توجه کافی به نکات برشمرده می‌تواند حتی در خوشبینانه‌ترین حالت که پیروزی احزاب اصلاح‌طلب در انتخابات است باز هم به ناکارآمدی آنان در قدرت و عدم استفاده از تمام ظرفیت‌ها سبب شود. اکنون اصلاح‌طلبان‌اند و تجربه تلخ دو انتخابات گذشته شوراها و مجلس شورای اسلامی. باید منتظر ماند و مشاهده کرد که طی ماه‌های آینده چه تحولاتی رخ خواهد داد؟ آیا اینان حاضر خواهند شد در ازای به دست آوردن مطالبات حداقلی به اجماع رضایت دهند یا همچنان ترجیح خواهند داد که مانند انتخابات ریاست جمهوری هر گروه شناخته شده یک نامزد معرفی کند و... با وجود این شرایط اصلاح‌طلبانی هستند که معتقدند انتخابات شوراها می‌تواند عرصه نمایش قدرت اصلاح‌طلبان باشد و از این گذشته آنان معتقدند که رقابت بین گروه‌های اصلاح‌طلب نیز تشدید می‌شود. رسول منتجب‌نیا قائم‌مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی از این دسته است. پیش‌بینی منتجب‌نیا بر این اصول استوار است: «در این که جمعیتی بدون تعریف روشن و مشخص از اهداف و عقایدشان تنها با استفاده از فضای موجود زمانی روی کار بیایند و قدرت را در اختیار بگیرند و پس از مدتی بین‌شان اختلاف نظر بروز کند شکی نیست.» این قضیه را ما در دوران اصلاح‌طلبان و حتی قبل از آنها در میان جمعیت‌های پراکنده‌ای که بدون یک تشکیلات تعریف شده روی کار آمده بودند شاهد بودیم که اصولگرایان هم از این قضیه مستثنی نیستند. این فعال سیاسی که پیش از تشکیل حزب اعتماد ملی عضو مجمع روحانیون مبارز بود در ادامه می‌گوید: «اصولگرایان از زمان روی کار آمدن یک تعریف درست و مشخص از مقاصد و عقایدشان ارائه نداده‌اند. آنها مشخص نکرده‌اند که نسبت به گروه‌ها و جریان‌های دیگر چه امتیازی دارند و یا چه ویژگی‌ای آنها را از دیگران متمایز می‌کند. اصولگرایان در مقطعی خاص و نه به دلیل سازماندهی و یا وضعیت اعتقادی‌شان بلکه به دلیل شرایط مملکت و نارضایتی‌هایی که در آن مقاطع وجود داشت روی کار آمدند. البته وی انکار نمی‌کند که نارضایتی‌هایی که در آن زمان مردم از جناح حاکم یعنی اصلاح‌طلبان داشتند باعث شد که اصولگرایان بر مسند امور قرار گیرند. با وجود آنکه به برگزاری دو انتخابات پارلمانی شوراهای شهر و روستا و خبرگان رهبری نزدیک‌تر می‌شویم، اما همچنان وضعیت گروه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلبان چندان روشن نیست هر چند که اصولگرایان در این بین تلاش می‌کنند خود را دسته‌ای متحد به تصویر کشند اما عدم رضایت اصولگرایان سنتی از عملکرد جریان حاکم به شدت عیان است. این موضوع در هنگامه تقسیم قدرت بروز کرد جایی که اصولگرایان تازه به منصب رسیده گروه‌های قدیمی را فراموش کرده و فقط پست‌ها بین افرادی تقسیم شد که مطابق ایده‌های رئیس جمهور رفتار می‌کردند و یا کرده بودند. این موضوع به احتمال فراوان در صورت باقی ماندن به همین منوال باعث عدم اجماع در این طیف می‌شود و باعث خوشحالی جریان حاشیه (اصلاح‌طلبان) خواهد شد. چه شاید بار دیگر با وجود آنکه کار سازمانی چندانی در این گروه صورت گرفته نشده باشد اما شکاف بین رقیب بردشان را حداقل در یک انتخابات (شوراها) فراهم سازد تا شاید این پیروزی وفاق بین آنها در آینده را سبب شود.

خبرها

دیدار مشارکت با کروبی، هاشمی و معین

خبرنامه مشارکت: در جلسه اخیر دفتر سیاسی جبهه مشارکت ایران اسلامی پس از تبادل اخبار سیاسی داخلی و خارجی، گزارش دیدار دبیرکل و تنی چند از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت با کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی و رایزنی‌های صورت گرفته با وی درباره پرونده هسته‌ای ایران ارائه شد. در همین راستا اعضای حزب مشارکت هفته گذشته با هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار داشتند و دیدار با معین نیز در برنامه این حزب قرار دارد. همچنین مقرر شد دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه مراتب اعتراض حزب را نسبت به صدور احکام علیه برخی فعالان سیاسی عضو جبهه مشارکت از جمله شکوری‌راد و مزروعی ـ که مربوط به دوران نمایندگی آنها در مجلس ششم می‌شود ـ اعلام و خاطرنشان کند که چنین احکامی نقض حق مصونیت نمایندگان مجلس در انجام وظایف خود محسوب می‌شود.

ترمیم رابطه احمدی‌نژاد با نخبگان

ایسنا: امیر محبیان تصریح کرد که تصور دوری دولت احمدی‌نژاد از نخبگان، فارغ از صحت یا نادرست بودن آن فضایی را به وجود آورده که باید ترمیم شود. وی افزود: پس از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات سوم تیر ۸۴ به نظر می‌رسد که نوعی گرایش به مردم‌گرایی و مرزبندی با نخبه‌گرایی در دولت وی و رویکرد ارتباطی آن دولت به وجود آمد و این امر باعث شد که گروهی بر این باور شوند که هر چند ضلع ارتباطی دولت احمدی‌نژاد با توده‌ها خوب و پررنگ است، به همان اندازه ضلع ارتباط با نخبگان دولت آقای احمدی‌نژاد فعال و جدی نیست. محبیان در پایان گفت: این تصور فارغ از صحت یا عدم صحت آن، فعلاً گونه‌ای از فاصله را میان دولت دکتر احمدی‌نژاد و نخبگان به وجود آورده که به هیچ وجه به مصلحت نیست و شایسته است دولت کانال‌های ارتباط خود را با نخبگان به صورت جدی فعال کند.

انتقاد تحکیم از سیاستگزاری دانشگاه‌ها

ایسنا: حنیف یزدانی دبیر کمیسیون فرهنگی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) گفت: «بازگرداندن استقلال و استقلال‌خواهی به دانشجویان و دانشگاه، شعار تحکیم در سال گذشته بوده است چرا که متاسفانه اکنون سیاستگزاری‌های دانشگاه برخاسته از جمهور دانشجویان نیست.» وی با انتقاد از ترکیب هیات نظارت دانشگاه افزود: «پیش از این، هیات نظارت ۳ عضو دانشجو داشت اما از چند سال قبل این تعداد به دو عضو با یک حق رای تبدیل شد و همین تا حدی به مسائل مربوط به دانشجویان ضربه زد.» وی ابراز عقیده کرد: «کانون‌های فرهنگی دانشگاه در یکی دو سال اخیر کمتر از سوی مسئولان تحمل می‌شوند. هر کانون و انجمنی نیاز به آزادی دارد و آزادی در جایی شکل می‌گیرد که تفکری، عقاید مختلف را تحمل کند، در حالی که در سطح دانشگاه‌ها کمتر با چنین نگرشی روبه‌رو هستیم که تفکرات مختلف مورد پذیرش قرار بگیرند و بیان شوند. به همین دلیل بسیاری از این نظرات مختلف ابتر می‌شوند و آنان که می‌خواهند تنها یک صدا در دانشگاه‌ها وجود داشته باشد نظر خود را اعمال و با هرگونه تنوع و تکثری مخالفت می‌کنند. اگر دید دموکراتیک حاکم باشد، این مشکلات را شاهد نیستیم.»

اعتراض به برخورد با دانشجویان

روز: مهدی امینی‌زاده عضو سابق شورای مرکزی تحکیم با اشاره به اخراج خود از دانشگاه اظهار داشت: «آموزش دانشگاه گفت براساس نامه‌ای که از سوی کمیسیون بررسی صلاحیت استاد و دانشجوی سازمان سنجش آموزش کشور ارسال شده است شما نمی‌توانید ادامه تحصیل بدهید.» وی افزود: «در پی این مسئله به کمیسیون بررسی صلاحیت سازمان سنجش مراجعه کردم و متوجه شدم که این کمیسیون براساس نامه‌ای که از قسمت بررسی صلاحیت‌های عمومی یک وزارتخانه ارسال شده به این کار اقدام کرده. آنها خواستار ممانعت از ادامه تحصیل من شده بودند. بعد نامه‌ای نوشتم و مسئله را پیگیری کردم. در سازمان سنجش به من قول دادند که برای ترم بعدی موضوع حل می‌شود اما ترم دوم هم شروع شد و باز هم به‌رغم مراجعات من به سازمان سنجش و حراست وزارت علوم و... معلوم شد قصد تغییر موضع ندارند و من از ادامه تحصیل محروم شده‌ام.» امینی‌زاده با اشاره به ممانعت از ادامه تحصیل خود گفت: «آنچه به‌طور غیررسمی گفته شد این بود که فعالیت‌های من در دوران دانشجویی نشان داده که من صلاحیت ادامه تحصیل را ندارم.» این فعال جنبش دانشجویی در ادامه افزود: «فشارها بیشتر روی دانشجویان عضو انجمن اسلامی است و این مسئله هر روز بیشتر می‌شود. من نمی‌دانم در کجای دن